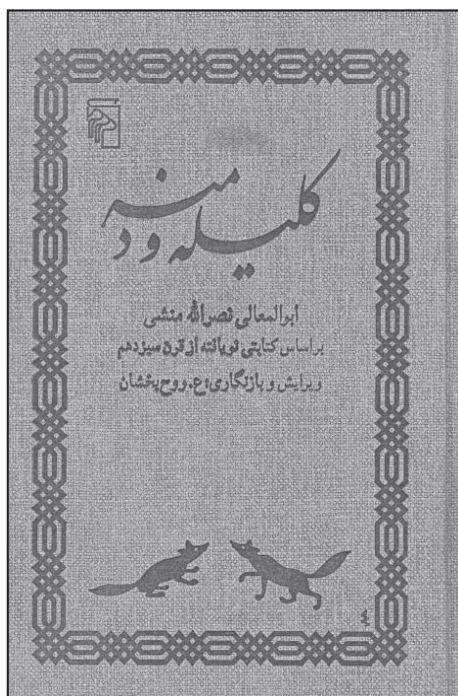


آیا این کتاب به راستی بی ارزش است؟

پاسخی به یک نقد

هیأت تحریریه نشر مرکز



در گزارش میراث شماره ۴۹، بهمن و اسفند ۱۳۹۰، نقدی منتشر شد از آقای محمد افشین وفایی، زیر عنوان «متنی معتبر، ناشری نام‌آور، چاپی نامعتبر». موضوع این نقد کیلیله و دمنه‌ای است که شادروان عبدالمحمد روح‌بخشان با ویرایش و بازنگاری یک نسخه قرن سیزدهمی فراهم آورد و نشر مرکز منتشر کرد.

مقدمه نقد به تصحیحی از کیلیله و دمنه می‌پردازد که زنده‌یاد محبتی مینوی در سال ۱۳۴۳ به چاپ رساند. منقد محترم متذکر می‌شود که مینوی از نسخه‌های متأخرتر از سده هشتم استفاده نکرد. و برهان می‌آورد که نسخه‌های یک اثر هر چه به زمان تألیف نزدیک‌تر باشند اصالت بیشتری دارند. وی در ادامه از زبان مینوی نقل می‌کند: «اما پخته‌خواری چند... در کمین‌اند شخصی مدت زمانی تحمل رنج و زحمت کند... متنی قدیم را تصحیح و منتشر کند و ایشان بی تحمل زحمت و منت از نتیجه کار دیگران نامی و نانی کسب کنند». منقد محترم اضافه می‌کند: «متأسفانه پیشگویی مینوی به تحقق پیوست و از روی تصحیح او چاپ‌های بازاری متعددی انتشار یافت. دریغا که این آخرین چاپ به دست یک مترجم نسبتاً مشهور و یک ناشر معتبر صورت پذیرفته است».

متأسفانه ع. روح‌بخشان دستش از دنیا کوتاه است و تنها چیزی که می‌تواند از حیثیت او در قبال این نقد دفاع کند همان ویرایش و بازنگاری است که مدتی مدید، و بر اساس نسخه‌ای از قرن سیزدهم و نه بر مبنای نسخه مینوی، برای آن زحمت کشید.

هر کجای متن تصحیح‌شده روح‌بخشان با کیلیله و دمنه مینوی مقایسه شود تفاوت‌های گسترده، هم در متن و هم در توضیح‌ها، شائبه رونویسی یا گرت‌برداری از نسخه مینوی را کاملاً منتفی می‌کند. هر دو کتاب در دسترس عموم قرار دارند

و هر کسی می‌تواند این مقایسه را انجام دهد. روح‌بخشان همان‌گونه که در مقدمه کتاب نیز نوشت نسخه موجود در کتابخانه دانشگاه UCLA آمریکا را ویراسته و بازنگاری کرده است. مقابله بازنگاری روح‌بخشان با نسخه‌ای که روی آن کار کرد نشان می‌دهد که وی به همان نسخه پایبند بوده است و آنچه در مقام تصحیح و توضیح اضافه کرده با گروه متمایز شده است. منقد محترم اتهام چاپ بازاری از روی تصحیح مینوی را در حالی وارد می‌کند که هیچ شاهد یا مثالی ارائه نمی‌دهد.

منقد محترم ادامه می‌دهد: «روی جلد [تصحیح روح‌بخشان] هم نوشته شده بر اساس کتابتی نویافته از قرن سیزدهم... تبلیغاتی از این دست جز فریب عوام چه هدف

دیگری ممکن است داشته باشد؟ نسخه‌ای نویافته از سده سیزدهم چه اهمیتی دارد وقتی که از این متن دست‌نویسی کامل از سده ششم و دست‌نویس‌های متعدد قدیم‌تر در دست است؟ آیا ناشران تنها باید به سود مادی بیندیشند؟... اتفاقاً کتاب به شکلی بسیار آراسته و زیبا هم به طبع رسیده است. طبعاً آن‌گاه که برخی غیر متخصصان بینند ناشری نسبتاً معتبر متنی مهم را با ظاهری زیبا چاپ کرده است راحت‌تر گمراه می‌شوند.»

در اینجا اتهامی تازه و کاملاً در تضاد با اتهام نخست، یعنی چاپ بازاری از روی تصحیح مینوی، مطرح می‌شود: ویراستار و ناشر متهم‌اند که یک نسخه بی‌ارزش را اساس قرار داده‌اند.

از اهانت‌هایی مانند «چاپ بازاری، عوام‌فریبی، سودجویی» و مانند آن که روا داشته‌اند عبور می‌کنیم. به نسخه اساس روح‌بخشان پیردازیم که ارزشش زیر سؤال رفته است. منقد محترم را که کراً تصحیح زنده‌یاد مینوی را به واسطه قدمت نسخه اساسش ملاک می‌گیرند و تصحیح تازه را در مقایسه با آن بی‌معنا اعلام می‌کنند به این جمله مینوی توجه می‌دهیم: «ممکن بود به جای دوازده نسخه‌ای که ملاک کار خود ساختم با دوسه نسخه بیشتر کار نکنم ولی در عمل معلوم شد که گاهی ضبط نسخه‌ای متأخر ممد و مؤید قرائتی می‌شود که در ده نسخه قدیم به صورت دیگری آمده است» (مقدمه مینوی بر کلیله و دمنه، ص یح).

نیاز به کارشناسی نیست تا فهم شود اعتبار نسخه‌ها بیش از هر چیز، از جمله تاریخ رونوشت‌برداری، به عواملی همچون اعتبار و کیفیت نسخه مورد رونویسی، دانش و دقت نساخ و میزان تمایل او به دخل و تصرف در متن بستگی دارد و نیز به قرائت وی در موارد مبهم، ناخوانا یا مواردی که با سلیقه یا خوانش او متفاوت است. در چنین فرایندی است که در طول زمان نسخه‌ی پدید می‌آیند که هم از لحاظ پایداری به نسخ ماقبل متفاوتند و هم از لحاظ ارزش‌های ادبی و علمی. نسخه روح‌بخشان نیز قرائتی است که در همین گستره جای دارد. ارزش هر نسخه، از جمله نسخه روح‌بخشان، درست در ویژگی‌ها و تفاوت‌های آن با سایر نسخه‌هاست. متأسفانه منقد محترم به هیچ ایراد خاصی در متن آن اشاره نکرده‌اند تا امکان گفت‌وگویی نتیجه‌بخش فراهم آید. ظاهراً ایشان بیشتر تمایل

داشته‌اند به جای نقد اثر به مصحح و ناشر بپردازند. بنابراین حکم ایشان مبنی بر بی‌ارزش بودن نسخه دانشگاه UCLA به دلایلی متقن و یا شواهدی از خود متن استوار نیست.

منقد محترم سپس ادامه می‌دهد: تنها سه صفحه و نیم مقدمه برای این کتاب نوشته شده که بخش عمده آن هم معرفی کلیه و دمنه به نقل از لغت‌نامه دهخدا و دائرةالمعارف فارسی مصاحب و فرهنگ ادبیات فارسی محمد شریفی است. آن قسمت از مقدمه هم که اصالت دارد و منقول از دیگران نیست و در حقیقت مانیفست آقای روح‌بخشان در باب تصحیح یا ویرایش است حرف‌های عجیبی در بر دارد.

آیا کوتاه بودن مقدمه، به خودی خود حامل ایرادی است؟ اگر ایراد خاصی بوده چرا ذکر نکرده‌اند؟ آیا نقل از دهخدا و مصاحب و صاحب‌قلمی دیگر، مطالب نقل شده را فاقد اصالت می‌کند؟ ایرادها نااستوارتر از آن می‌نمایند که پاسخی مفصل‌تر بطلبند.

اما باید حدس زد یکی از حرف‌های عجیب از نظر منقد محترم، ظاهراً استدلال مصحح در پرهیز از ارائه توضیحات به صورت زیرنویس و آوردن آنها در خلال متن است. منقد محترم این روش را نادرست می‌داند و مدعی است مصحح کوچک‌ترین آشنائی با روش تصحیح انتقادی متون و شیوه چاپ آنها ندارد. ظاهراً نکته‌ای بر منقد محترم پوشیده مانده است: کلیله و دمنه مجتبی مینوی، که ارزش‌های آن بر کسی پوشیده نیست، تصحیحی است در قالب شیوه‌های سنتی که ضمناً مخاطبانش بیشتر اهل پژوهش و اصحاب ادبند تا علاقه‌مندان ادبیات به طور عام. پای صفحات کتاب مینوی سرشار است از توضیحات و ارجاعات واژه‌شناسانه، نسخه‌شناسانه، و غیره که مخاطب عام کلیله و دمنه معمولاً رجوعی به آنها ندارد. در حالی که تصحیح روح‌بخشان مخاطب عام (و نه عامی) را در نظر دارد و آگاهانه روند بازنگاری و کم و کیف توضیح‌ها را به گونه‌ای پیش می‌برد تا بیشترین سودمندی را برای خواننده امروزی داشته باشد. گذاشتن توضیح‌ها در کنار عبارات نیازمند توضیح در خلال متن نیز به همین دلیل بوده است. روح‌بخشان، به شیوه‌های سنتی تصحیح متون مسلط بود که توانست از آن فراتر رود و با رویکردی نو و خواننده‌محور متن را سازگار با نیازها و انتظارات او تدوین کند. این که مصحح با حفظ سیاق نسخه اساس، کتاب را برای اهل تحقیق نیز سندی

قابل استفاده نگاه داشته دلیلی دیگر است بر نگرش حرفه‌ای و تسلط او بر روش تصحیح متون.

مطرح کرده‌اند: «این ناشر قبلاً هم کارهایی مشابه از نوع چاپ غیر روشمند متون انجام داده...» اما چون مصادیق ادعای ایشان مشخص نشده نمی‌توان پاسخی مشخص داد.

منقد محترم چند سطری از تصحیح روح‌بخشان را نقل کرده‌اند تا «روش نادرست و شیوه نایکدست» مصحح را نشان دهند بی آن که بگویند چرا نادرست است. لابد چون با شیوه مورد نظر ایشان تفاوت دارد. یادآور می‌شویم شیوه توضیح در خلال متن نه تنها بدعت نیست بلکه به عنوان روشی شناخته‌شده، هم در کشورهای دیگر و هم نزد مؤلفان و مصححان فارسی‌زبان، به کار می‌رود؛ هم به تهائی، هم در تلفیق با زیرنویس یا پی‌نویس. در این مثال‌ها نایکدستی شیوه مصحح را هم نشان نداده‌اند مگر این که بگوئیم ایشان شیوه مصحح را که در مقدمه به‌وضوح ذکر شده درست متوجه نشده‌اند که اصلاحات و اضافات پیشنهادی را با علامت‌های = و + تفکیک کرده و طبعاً آنها که بدون علامت‌اند صرفاً معادل‌های معنایی برای کمک به خواننده‌اند.

در ادامه مطلب منقد محترم پرسیده‌اند: «باب اول کتاب که در نسخه تصحیح‌شده نبوده از کدام چاپ نقل شده است... و اگر نسخه ایشان ناقص است باید از دست‌نویس‌های کمکی برای اصلاح بهره جست.»

در صفحه‌ٔ نه پیشگفتار روح‌بخشان بر کلیله و دمنه نشرمرکز به سه کتاب (ترجمه کلیله و دمنه تصحیح مجتبی مینوی، کلیله و دمنه به کوشش حسن حسن‌زاده‌آملی، متن کامل کلیله و دمنه منوچهر دانش‌پژوه) به عنوان مراجع رفع نقص (افتادگی باب اول) تصریح شده است. ظاهراً این مطلب از توجه منقد محترم دور مانده است. در ضمن نتوانستیم مبنای عقلانی توصیه ایشان را در مورد (لزوم) بهره‌گیری از دست‌نویس‌های کمکی، و نه نسخه‌های چاپی، دریابیم. اگر اندکی طنز در این قال و مقال ملال‌آور روا باشد می‌توان این توصیه را مثل آن دانست که برای برافروختن هر آتش نو باید به جای ابزارهای جدیدتر، از وسایل اولیه مثل سنگ چخماق استفاده کرد.

ایشان از استدلال روح‌بخشان که «امروزه انباشتن پای صفحه‌ها چیزی جز همان اظهار لحيه و در واقع کاغذ حرام کردن و کتاب‌سازی نیست» چنین برداشت کرده‌اند که از نظر گوینده «رنج تحقیق و پایبندی به اصول تصحیح متن جز اظهار لحيه و کتاب‌سازی نیست».

در سخن روح‌بخشان، اگر به قید امروزه در ابتدای جمله توجه شود، کاملاً روشن است که منظور او تأکید بر شیوه‌های امروزی است و نه ستیز با اهل تحقیق و یا قدرناشناسی از زنده‌یاد مینوی و امثال ایشان. او در مرتبه نخست خواننده امروزی، زبان امروزی و روش‌های امروزی را منظور دارد و آنکه دنباله این عبارت به خود گیرد قاعدتاً باید از همان قماش باشد که دل مینوی نیز از ایشان خون بود: کسانی که آثار دیگران را با مختصری دخل و تصرف و حاشیه‌پردازی تصنیی به نام خود منتشر می‌کنند.

و نقد را با این مضمون پایان داده‌اند که «هر کتابی ارزش نقد کردن ندارد و نباید عمر گرانمایه را صرف نقد کارهای بی‌ارزش کرد...»

ما چنین باوری نداریم. کتاب، ضمن آن که اصالتاً به عنوان سندی از تاریخ ادبیات فارسی ارزشمند است، نگاه و شیوه نگارش امروزی، معادل‌ها و توضیحات مفید که به گونه‌ای سهل و کارآمد ارائه شده‌اند ارزشی مضاعف به آن بخشیده‌اند. اضافه کنیم که دقت مثال‌زدنی مرحوم روح‌بخشان، که مسئولیت‌بازبینی تمامی نمونه‌های حروف‌چینی را خود به عهده گرفت، نمونه‌خوان‌های نشرمرکز را در یافتن لغزش‌های تاپیی دورمانده از چشم مصحح ناکام گذاشت. اهل کتاب می‌دانند متونی که عبارات عربی و اعراب‌گذاری گسترده از ویژگی‌هایشان است چقدر همت و دقت می‌طلبند تا عاری از لغزش باشند. یادش گرامی باد.

با همه ناروایی‌هایی که در نقد آقای محمد افشین وفایی بر کلیله و دمنه نشرمرکز، بر شخصیت فرهیخته و فروتن عبدالمحمد روح‌بخشان و نیز بر شأن ناشر روا داشته شد، اصل سودمندی نقد را زیر سؤال نمی‌بریم و نقد عالمانه و منصفانه را از اسباب رونق فرهنگ و کتاب‌دانییم و سپاسگزار رسانه‌ها و نویسندگان این‌گونه نقدها می‌مانیم. ■